

<http://www.dowran.ir/show.php?id=105508465>

قبل از بررسی متن نامه‌های آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق به یکدیگر، ضرورت دارد متن این دو سند را عیناً ارائه نموده، سپس به تحلیل ابعاد گوناگون آنها پرداخت. ابتدا نامه مورخ ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ کاشانی به مصدق:

حضرت نخست‌وزیر معظم جناب آقای دکتر مصدق دام اقباله. عرض می‌شود، اگر چه امکاناتی برای عرایض نمانده ولی صلاح دین و ملت برای این خادم اسلام بالاتر از احساسات شخصی است و علی‌رغم غرض‌ورزیها و بوق و کرنای تبلیغات شما، خودتان بهتر از هر کس می‌دانید که هم و غم در نگهداری دولت جنابعالی است، که خودتان به بقاء آن مایل نیستید. از تجربیات روی کار آمدن قوام و لجبازیهای اخیر بر من مسلم است که می‌خواهید مانند سی‌ام تیر کذایی يك بار دیگر ملت را تنها گذاشته و قهرمانانه بروید. حرف این جانب را در خصوص اصرارم در عدم اجرای رفراندوم نشنیدید و مرا لکه حیض کردید. خانه‌ام را سنگباران و باران و فرزندانم را زندانی فرمودید و مجلس را که ترس داشتید شما را ببرد بستید و حالا نه مجلسی است و نه تکیه‌گاهی برای این ملت گذاشته‌اید. زاهدی را که من با زحمت در مجلس تحت نظر و قابل کنترل نگاه داشته بودم با لطایف‌الحیل خارج کردید و حالا همانطور که واضح بوده درصدد به اصطلاح کودتا است. اگر نقشه شما نیست که مانند سی‌ام تیر عقب‌نشینی کنید و به ظاهر قهرمان زمان بمانید، و اگر حدس و نظر من صحیح نیست که همانطور که در آخرین ملاقاتم در دزاشیب به شما گفتم و به هندرسن هم گوشزد کردم که آمریکا ما را در گرفتن نفت از انگلیسیها کمک کرد و حالا به صورت ملی و دنیاپسندی می‌خواهد به دست جنابعالی این ثروت ما را به چنگ آورد. و اگر واقعاً با دیپلماسی نمی‌خواهید کنار بروید، این نامه من سندی در تاریخ ملت ایران خواهد بود، که من شما را با وجود همه بدی‌های خصوصی‌تان نسبت به خودم از وقوع حتمی يك کودتا به وسیله زاهدی که مطابق با نقشه خود شماست آگاه کردم، که فردا جای هیچ‌گونه عذر موجهی نباشد. اگر به راستی در این فکر اشتباه می‌کنم با اظهار تمایل شما، سیدمصطفی و ناصرخان قشقایی را برای مذاکره خدمت می‌فرستم، خدا به همه رحم بفرماید. ایام به کام باد.

سیدابوالقاسم کاشانی.

دکتر مصدق نیز در همان روز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ در نامه‌ای رسمی که دارای نشان شیر و خورشید و تاج بوده و درصدد آن واژه نخست‌وزیر نیز چاپ شده بود، در پاسخ به نامه آیت‌الله کاشانی مختصر و قاطع چنین نوشت:

مرقومه حضرت آقا وسیله حسن آقاسالمی زیارت شد. اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم، والسلام. دکتر مصدق.

این دو سند هر کدام يك برگي می‌باشند. نامه کاشانی نسبتاً مفصل است و پاسخ مصدق بیش از دو سطر حجم ندارد. این اسناد پس از انتشار در معرض دید محققان قرار گرفته و هر کس از منظر خود به آنها نگرسته‌اند اما کاوش‌های صورت گرفته جامع و روشمند نمی‌باشند.

نخستین نکته در شناخت اسناد سیاسی ضرورت شناخت نوع ادبیات حاکم بر اسناد است. ادبیات متن نامه آیت‌الله کاشانی از نوع مذهبی - سیاسی است. پیش از انتساب به هر بعد دیگر از شئون اجتماعی آیت‌الله کاشانی، او يك روحانی و مجتهد دینی بود. این واقعیت نه تنها بر ادبیات این سند که بر سایر اسناد به جای مانده از ایشان سایه افکنده است. ادبیات و انشای آن تفاوت معناداری با سایر مکاتبات به جای مانده از ایشان ندارد.

موضوع سند اول به اظهارنظر و استدلال آیت‌الله کاشانی پیرامون احتمال وقوع کودتای بیگانگان علیه نهضت ملی، استقلال و آزادی ملت و حاکمیت دولت قانونی دکتر مصدق اختصاص دارد. افشای نقش لایه‌های گوناگون عوامل کودتاگر و علل و انگیزه‌های مؤثر در آن و اهدافی که دنبال می‌نمودند، و آگاهی دادن پیرامون بی‌توجهی و سکوت نخست‌وزیر ( که از نظر او حیرت‌آور بود) در قبال کودتایی که تحقق آن را قریب‌الوقوع می‌دانست، اهم موضوعات آمده در سند اول می‌باشند. محتوای سند دوم، پاسخ کوتاه مصدق به نامه کاشانی است و دلالت بر آگاهی او از وقایع، و به صورت تلویحی حاکی از فضولی دانستن اظهارنظر آیت‌الله کاشانی پیرامون کودتا در سند اول است. اهداف کلی و غایی که در اسناد دنبال می‌شوند، ضمن اطلاع‌رسانی به طرف مقابل خود پیرامون وقوع کودتا، سعی در آشکار ساختن ماهیت مشکوک و وابسته مخالفین خود و نمایش حدود هماهنگی آنها با کودتا به منظور ثبت در تاریخ کشور است.

منابع و اسناد:

منابع گوناگون مواضع متفاوتی را پیرامون رد یا پذیرش دو نامه مورد بحث اتخاذ نموده‌اند، باید توجه داشت که از زمان انتشار این اسناد که مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی بود، موضع‌گیری جریانهای سیاسی در رد یا پذیرش آنها آغاز شد.

اعضای جبهه ملی و هواداران دکتر مصدق يك دست و متفق با محتوای نامه آیت‌الله کاشانی مخالفند. گروهی در قبال حدود صحت آن سکوت کرده اند و گروهی دیگر در رد آن کوشیدند. اما هیچ‌يك صحت نامه مصدق به آیت‌الله کاشانی را مورد تردید قرار نداده‌اند و گروه مقابل خود را متهم به سندسازی نموده‌اند. جریان هوادار آیت‌الله کاشانی اصالت و درستی هر دو نامه را پذیرفته و آن دو را مرتبط با یکدیگر می‌دانند.

نامه آیت‌الله کاشانی به مصدق نیز در منابع هوادار مصدق آمده است. همایون کاتوزیان نامه آیت‌الله کاشانی را از آن جنبه مورد ایراد قرار می‌دهد که در سال ۱۳۵۷ با فاصله‌ای ۲۵ ساله از زمان وقوع منتشر شده است. اما تعلق خط نامه به آیت‌الله کاشانی را تأیید نموده است. با توجه به زمان رحلت آیت‌الله کاشانی در سال ۱۳۴۰، بدبینی کاتوزیان درخور تعمق است.

ایراد دیگر کاتوزیان به محتوای نامه آن است که: مشخص نیست آیت‌الله کاشانی از کدام کودتا در نامه خود سخن گفته است. به نظر می‌رسد کاتوزیان متن کامل اسناد را در اختیار نداشته است. زیرا آیت‌الله کاشانی در نامه خود تاریخ ۲۷ مردادماه را قید نموده و ضمن مطالب خود به وقایعی چون فراندوم و انحلال مجلس شورای ملی به دست مصدق اشاره کرده است. لذا منظور آیت‌الله کاشانی از احتمال وقوع کودتا در روزهای آینده کاملاً مشخص است. به جز این، کاتوزیان در نقل محتوای نامه مصدق کلماتی را به کار برده است که در متن اصلی وجود ندارد.

مصدق نیز در کتاب خاطرات و تألمات خود که پس از کودتا نوشته، تلاش کرده است بدون آنکه ذکری از نامه آیت‌الله کاشانی به میان آورد، به محتوای آن پاسخ دهد. من با دستگامی کار می‌کردم که زیر نفوذ استعمار بود... دولت اینجانب با چنین تشکیلاتی در ظرف آن دو روز چه می‌توانست بکند، چونکه ابتکار عمل در دست عمال بیگانه بود... همه می‌دانند که عصر روز ۲۷ مرداد (زمان دریافت نامه آیت‌الله کاشانی) دستور اکید دادم هر کس حرف از جمهوری بزند او را تعقیب کنند و نظر این بود که از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درخواست شود هر قدر زودتر به ایران مراجعت نمایند.

منابع بی‌طرف یا هوادار کاشانی نیز ضمن پذیرش اصالت نامه، پیرامون محتوای آن اظهارنظر کرده‌اند، از آن جمله‌اند: دهنوی در مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله کاشانی، امید زنجانی در کتاب انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، باقر عاقلی در کتاب نخستین وزیران ایران، حسن آیت در کتاب چهره حقیقی مصدق‌السلطنه، احسان طبری در کژراهه، سید جلال‌الدین مدنی در کتاب تاریخ سیاسی معاصر ایران و در کتاب روحانیت و نهضت ملی شدن نفت ضمن تأیید محتوای دو نامه کاشانی و مصدق عین دو سند را که به خط و امضای صاحبان آنها می‌باشد چاپ کرده است.

مهم‌ترین دلیلی که بر عدم پذیرش اصالت سند و جعلی بودن آن ارائه شده است، زمان انتشار متن نامه آیت‌الله کاشانی به مصدق است و فاصله ۲۵ ساله بین زمان صدور نامه و انتشار آن در رسانه‌های عمومی را دلیل بر ساختگی بودن نامه گرفته‌اند. باید توجه داشت که:

۱- پیدایش فاصله زمانی بین تاریخ تولید و انتشار يك سند هرگز نمی‌تواند دلیلی منطقی بر ساختگی بودن آن باشد. چه بسا عواملی چون حاکمیت مخوف رژیم پهلوی در طول دوره ۲۵ ساله پس از کودتا، بی‌نظمی‌های موجود در نگهداری اسناد و بایگانی‌های شخصی، شرایط و فرصت لازم را به دست نمی‌داد تا در زمینه انتشار آن اقدامی صورت پذیرد.

۲- با توجه به اینکه زمان پویایی و حضور در صحنه هر دو جریان سیاسی وابسته کاشانی و مصدق خیلی زود در چند ساله نخست پس از کودتای ۱۳۳۲ به پایان رسید و هر دو منزوی و منفعل بوده و ارتباط چندانی با جامعه نداشتند و گاه و بی‌گاه نیز هر دو از بی‌توجهی مردم به خود شکوه داشته‌اند، و از سوی دیگر مبارزات مردم ایران در طول دهه چهل و پنجاه در شکل نهضت اسلامی و نهایتاً انقلاب اسلامی بروز کرد، معلوم نیست که منازعات میان کاشانی و مصدق برای مردم از چه درجه اهمیت و اولویت برخوردار بوده که مسائل مهم‌تر را کنار گذاشته و برای انتشار نامه‌های به حاشیه رانده شده‌ای که به صلاح وحدت مردم در دوران مبارزات اسلامی دهه چهل و پنجاه نیز نبود، سرمایه‌گذاری کرده و احتمالاً تلفات سنگین سیاسی و نیروی انسانی نیز به خاطر آن بدهند. لذا نامه‌های آن دو

شخصیت نیز در کنار راه و روش سیاسی آنها در افکار عمومی به بایگانی تاریخ سپرده شده بود و مجال بروز اجتماعی نداشتند.

۲- با انتشار آن اسناد در جامعه در جهت مبارزات اصولی و دینی مردم با استعمار آمریکا و استبداد پهلوی خصوصاً در طول دهه‌های چهل و پنجاه انحراف ایجاد می‌شد. مطرح شدن و احیای موضوعات رنگ باخته گذشته موجب می‌شد که اهداف بزرگ و مهم‌تری که مردم ایران در خلال مبارزات خود در دوره انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی آغاز کرده بودند، به موضوعات قدیمی و حاشیه‌ای تنزل پیدا کرده و افکار عمومی به مسائل حاشیه‌ای که در آن زمان ارزش و ضرورت پیگیری نداشتند، گرفتار شوند. هر چند نباید فراموش کرد که دستگاه‌های فرهنگی رژیم پهلوی جداً در پی سوءاستفاده از هر نکته اختلاف‌برانگیز و به بیراهه راندن انقلاب اسلامی مردم بودند.

۴- باید توجه داشت که در مردادماه ۱۳۳۲ رابطه‌ای میان مصدق و کاشانی وجود نداشت. لذا پاسخ کتبی مصدق به کاشانی در روز ۲۷ مرداد در واکنش به چه اقدام کاشانی بوده است؟ قطعاً حضرت آقا (عنوان کاشانی در نامه مصدق) مرقومه‌ای به نخست‌وزیر نوشته بود که وی وصول آن را اعلام نموده و در پاسخ به آن دست به قلم برده است. علاوه بر این هیچ‌یک از منابع، خبر از ارسال بیش از یک نامه از سوی آیت‌الله کاشانی به مصدق در آن روزها را نداده است. لذا به نظر می‌رسد پاسخ مذکور جواب نامه مورخ ۲۷ مرداد کاشانی است.

علاوه بر این محمدحسین سالمی که نامش در نامه مصدق قید شده، نوه و مسئول دفتر و مکاتبات کاشانی بوده لذا ارسال نامه کاشانی از طریق وی برای مصدق امری طبیعی بوده است و نوشته شدن نامه کاشانی برای مصدق و نامه مصدق برای کاشانی مورد تأیید رابط مذکور قرار گرفته است.

نکته دیگری که دلیلی بر جعلی بودن نامه کاشانی اقامه شده است وجود این عبارت نامه است: این نامه من سندی در تاریخ ملت ایران خواهد بود. و آن را انگیزه افراد در جعل نامه پس از مرگ کاشانی و مصدق دانسته‌اند. به نظر می‌رسد چنین استدلالی درست نباشد. زیرا روش کار کاشانی در مسایل سیاسی مورد اختلاف چنین بوده است.

هرگاه نظریات مهم کاشانی مورد پذیرش مخالفینش قرار نمی‌گرفت او سعی می‌کرد برای عبرت حال و آیندگان آن را آشکارا به اطلاع دیگران برساند. به عنوان نمونه حدود یک ماه قبل از کودتا نیز وقتی راهکارهای موردنظرش توسط مصدق رد شد در اطلاعیه‌ای کثیرالانتشار نوشت: نامه‌های من به مجلس شورای ملی و شخص آقای دکتر مصدق در تاریخ مشروطیت ایران سند زنده و جاودانه خواهد بود. بر این اساس باید حکم داد شیوه سیاسی کاشانی چنین بوده و اعتقاد داشته است نظریات خود را برای ثبت در تاریخ و اطلاع آیندگان باید مکتوب کرد. لذا مخدوش دانستن نامه کاشانی به دلیل وجود جمله فوق در نامه منطقی به نظر نمی‌رسد.

روش دیگر برای سنجش حدود صحت و اعتبار نامه‌های مذکور، نگاه به درون اسناد و تحلیل متن آنها می‌باشد بر این اساس، ابتدا ضرورت دارد به این سوال پاسخ داده شود که متن نامه آیت‌الله کاشانی حاوی چه نکاتی است که مورد پذیرش برخی قرار نگرفته است. آیا آنچه در نامه ذکر شده موضوعاتی بی‌سابقه و حیرت‌آور است؟ محورهای عمده آمده در نامه ۱۳۳۲/۵/۲۷ کاشانی به قرار ذیلند که به ترتیب و تفکیک مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

نخستین محور نامه آیت‌الله کاشانی را شکایت وی از بی‌مهری مصدق و اهانت‌های پی در پی یاران او علی‌رغم تلاش‌های بی‌وقفه کاشانی در پیروزی نهضت ملی و تداوم آن، تشکیل داده است. به نظر نمی‌رسد این بخش از مطالب کاشانی به مصدق مورد تکذیب نقادان باشد، زیرا نقش محوری کاشانی در رهبری رخداد‌های نهضت ملی به کرات مورد تأیید محققین قرار گرفته و در مکتوبات مصدق نیز پی در پی ذکر شده است. برخوردهای خشن و نامناسب جراید و برخی اعضای جبهه ملی با آیت‌الله کاشانی نیز از جمله اقدامات روزمره آنها به ویژه در نیمه دوم عمر دولت مصدق تا مرز حمله هواداران مصدق در ۴ شب پی در پی به جلسه دینی سیاسی منزل کاشانی و به قتل رساندن افراد در آنجا بوده است.

تأثیر این امور بر کاشانی تا آنجا بود که وی در اطلاعیه ۳۲/۴/۲۵ خود از مصدق با چنین جملاتی یاد کرده است: آن یاغی طاغی که در کشور مشروطه ایران به خیال خداوندگاری افتاده است. بنابراین توجه به شدت لحن آیت‌الله کاشانی در مکتوبات قبلی، نیازی به جعل نامه جدید برای القای بدبینی و عدم اعتماد کاشانی به مصدق نبوده است.

دیگر محور عمده نامه آیت‌الله کاشانی اختصاص به ادعای وی به بی‌علاقه بودن مصدق به تداوم بقای دولت خود و کنار کشیدن قهرمانانه از سمت نخست‌وزیری دارد. این گمان کاشانی را استعفای عجیب مصدق در ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱ که بدون هرگونه توجیه و هماهنگی یاران عرصه را برای انگلستان، شاه و قوام‌السلطنه باز گذاشت و یاران خود و نهضت و مردم را تنها گذاشت، تقویت کرده است.

به نظر می‌رسد با توجه به سابقه قبلی و عدم تحرك جدی دولت در مقابله با عوامل کودتا، کاشانی خود را در ادعای چنین تحلیلی از رفتار سیاسی مصدق و ادعای به عدم تمایل او در حفظ دولتش، محق دانسته است.

کاشانی در سومین بخش از نامه خود اقدام مصدق در انحلال مجلس شورای ملی را به نقد کشیده و آن را عامل اصلی بی‌پناه گذاشتن دولت و مردم در هنگام حملات سخت استبداد دربار و استعمار آمریکا و انگلیس دانسته است. این بخش از نامه نیز حاوی مطلب غیرمعمول و غیرواقعی نیست. برخی محققین بر این باورند که مصدق آن زمان زمینه سقوط خود از قدرت را به دست خویش رقم زد که مجلس شورای ملی را منحل نمود و در جمع گروهی از تظاهرکننده‌ها گفته بود: مجلس واقعی اینجاست! در مکتوبات کاشانی نیز سابقه‌ای دال بر عدم اعتقاد مصدق به مجلس شورای ملی مخالفش وجود دارد. انحلال مجلس این زمینه قانونی را برای شاه فراهم آورد تا اقدام خود را در عزل مصدق و نصب زاهدی قانونی جلوه دهد. علاوه بر این محاکمات پس از کودتا نیز (که هر معترض به کودتا را به عنوان قیام‌کننده علیه حق قانونی شاه در عزل و نصب دولت در غیاب مجلس به محاکمه کشید) تأیید کننده این نظریه می‌باشد. لذا به نظر نمی‌رسد به مطالب این بخش از نامه ایرادی وارد باشد.

محور چهارم نامه چهارم کاشانی به آگاه ساختن مصدق از وقوع کودتایی حتمی توسط سرلشکر زاهدی علیه نهضت ملی و دولت مصدق اختصاص دارد. برخی به این اقدام کاشانی در اطلاع‌رسانی نسبتاً دقیق وی از حادثه کودتایی که هنوز به وقوع نپیوسته بود، ایراد گرفته و آن را دلیل جعلی بودن نامه دانسته‌اند.

در این زمینه تذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. نخست آنکه کاشانی يك ماه قبل از کودتا نیز سقوط قریب‌الوقوع دولت مصدق را در اثر از دست دادن تدریجی پایگاه مردمی خود که از نظر کاشانی ناشی از اقدامات مصدق در اتخاذ شیوه يك جانبه‌گرایی و حذف نهادهای مدنی مانند درخواست اختیارات و انحلال مجلس بود، پیش‌بینی کرده بود و پیش‌بینی وی در نامه مورخ ۲۷ مرداد جدید نبوده است. نکته دوم آن که زاهدی و یارانش دو روز قبل در ۲۵ مرداد اقدام به کودتایی ناموفق کرده بودند و با توجه به اینکه اقدام اساسی درخور توجه علیه رهبری کودتا و عوامل مؤثر در آن صورت نگرفته بود و از طرفی دولتهای آمریکا و انگلیس نیز با همه توان از کودتاگران حمایت می‌کردند، کسی حق نداشت کودتا را پایان یافته بداند. باید توجه داشت که در دو روز فاصله بین دو کودتا جرایم وابسته به دربار و غرب نیز تصویر حکم نخست‌وزیری زاهدی را که به امضای شاه رسیده بود، منتشر کرده بودند. نکته سوم تذکر این واقعیت است که به جز کاشانی سایر افراد و جریانهای سیاسی عمده کشور نیز از وقوع کودتایی زود هنگام در کشور اطلاع داشتند. برخی دوستان مصدق و حزب توده احتمال اقدام نظامی علیه دولت و ملت را به اطلاع مصدق رسانده بودند. لذا قبل از آنکه اطلاع از کودتا عجیب باشد، بی‌توجهی به آن از سوی دولت حتی در صورتی که احتمال وقوع آن اندک باشد، سئوال برانگیز و تعجب‌آورتر است! زیرا از جمله مهمترین وظایف هر دولت حفظ موجودیت قانونی خود است. بنابراین در این بخش از نامه کاشانی نیز مطلب بی‌سابقه و خارق‌العاده‌ای ذکر نشده بود که برای جا انداختن آن در تاریخ نیاز به جعل سند باشد و بر اساس آن حکم به مخدوش بودن نامه‌های رهبران نهضت ملی به یکدیگر در روز ۲۷ مرداد داده شود.

در پنجمین محور موجود در نامه، آیت‌الله کاشانی پیشنهاد می‌کند که در صورت اظهار تمایل مصدق، نمایندگان را از جانب خود برای نیل به وحدت و هماهنگی پیرامون مقابله با خطراتی که دولت را تهدید می‌کنند، اعزام نماید.

اما با پاسخ سرد و کوتاه مصدق که نوشته بود: اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم والسلام، مواجه می‌شود.

برخی با استناد به محتوای کتاب خاطرات ناصرخان قشقایی ایراد گرفته‌اند که: او در روز ۲۷ مرداد در تهران حضور نداشت تا حامل پیغام کاشانی به مصدق باشد. لذا نتیجه گرفته‌اند: اشخاصی بدون توجه به عدم حضور ناصرخان در تهران، ناشیانه اقدام به جعل سند کرده و نام او را در نامه ذکر کرده‌اند.

این ایراد نیز نمی‌تواند دلالت بر جعلی بودن نامه نماید. زیرا به نکته‌ای ظریف در سند توجه نشده است. از جمله کاشانی این موضوع برداشت نمی‌شود که در روز ۲۷ مرداد وی افراد نامبرده را به عنوان نماینده خود نزد مصدق فرستاده است تا اثبات عدم حضور ناصرخان در تهران نقضی در نامه باشد. بلکه کاشانی نوشته بود، نمایندگان را در صورت اظهار تمایل مصدق و اعلام موافقت وی بعداً اعزام خواهد کرد، و لازمه این امر حضور حتمی آن نمایندگان را در تهران ایجاب نمی‌کند. حال چرا کاشانی از مصطفی فرزند خود و ناصرخان قشقایی مشخصاً به عنوان نماینده خود یاد کرده، شاید به آن دلیل بوده است که ناصرخان آن روزها از جمله هواداران دکتر مصدق محسوب می‌شد. لذا با اعزام دو نماینده مرضی‌الطرفین در پی رفع کدورتها و نجات نهضت مردم ایران بوده است.

ششمین و آخرین محور نامه کاشانی حدس و نظر وی درباره قصد آمریکا به تسلط بر نفت ایران به صورت دنیاپسند و به دست مصدق، می‌باشد. این بخش از مطالب نامه کاشانی را از زوایای گوناگون می‌توان مورد بررسی قرار داد.

نخست آنکه اگر منظور کاشانی از جمله بالا هماهنگی و همکاری آگاهانه مصدق با آمریکایی‌ها و مأمور بودن وی جهت واگذاری نفت ایران به آمریکا باشد، باید گفت که تاکنون سندی بر این مدعا ارائه نشده است. هر چند ممکن است مقاله از این جهت که، معمولاً در این قبیل امور سندی رسمی رد و بدل نمی شود که کسی آن را ارائه نماید، مورد سؤال قرار گیرد. در آن صورت باید گفت: تحلیل وقایع تاریخی جز بر اساس اسناد و مدارک تاریخی نیست. البته محقق نیز هرگز ادعا ندارد که اسناد همه وقایع را در اختیار دارد. البته اگر منظور کاشانی در نامه خود به مصدق از عبارت مطابق نقشه خود شماست، تسلیم کشور به بیگانگان باشد این ادعا نیز در مکتوبات قبلی کاشانی نسبت به مصدق تکرار شده و ادعای جدیدی نیست که پس از مرگ کاشانی نیاز به جعل داشته باشد. کاشانی در نامه مورخ ۳۲/۴/۱ خود نیز با انگیزه نقد اعمال مصدق و روشنگری در افکار عمومی نوشته است: اجازه نخواهد داد که ملتی مسلمان و مستقل با چنین افکار سست اهریمنی [افکار مصدق] تسلیم بیگانگان شود و آزادی افراد کشوری برای جاه‌طلبی فردی، به منظور خوش‌آمد دول استعماری به زنجیر کشیده شود. نکته دوم آنکه اگر منظور کاشانی از قصد آمریکا به تسلط بر نفت ایران به دست مصدق، سوءاستفاده آن دولت از نگرش حاکم بر دولت و روش نامناسب مصدق در ماههای آخر حکومت وی - از دید کاشانی - باشد، بویژه اعتماد عجیب و جدی او به آمریکا به عنوان دوست دولت ایران و حامی ملت، که تا آخرین روزهای قبل از کودتا ادامه داشت، باشد، به نظر نمی‌رسد ایراد بی‌سابقه و ربطی باشد. زیرا مصدق و کارگزاران دولت او تا آخرین فرصت‌هایی که در اختیار داشتند خوشباورانه آمریکا را بی‌طرف و میانجی بین خود و انگلستان می‌دیدند. در حالی که آمریکا از چندین ماه قبل از کودتا، مصرانه در پی برنامه‌ریزی علیه نهضت ملی و تصاحب نفت ایران بوده است. چگونه نخست‌وزیر و هیأت دولت متوجه این مهم نشدند، جای تعمق و تأمل فراوان است.

نکته دیگر که صحت نظر کاشانی را در سوءاستفاده آمریکا از هر چیز و هر کس برای تسلط بر نفت ایران اثبات می‌نماید، تشکیل کنسرسیوم نفتی در ایران علیه منافع ملت پس از پیروزی کودتا می‌باشد. این امر از يك سوی به روشنی دلالت بر صحت نظر کاشانی مبنی بر قصد آمریکا به تصاحب نفت ایران به صورت دنیاپسند و به ظاهری قانونی دارد و از سوی دیگر بر نیت ایران و ایرانی ستیز دولت آمریکا در ایران در دوره قبل از کودتای ۲۸ مرداد دلالت دارد. نیت و اهدافی که مواضع ساده‌لوحانه و لجاجت و تفرقه حاکم بر مسئولین وقت کشور، ولو به صورت غیرمستقیم، به تحقق آن کمک کرده است.

طرفدارن مصدق در خصوص این نامه بر این باورند که :

کاشانی این نامه را از روی صداقت ننوشت . و در صورت وجود و صحت اصل چنین نامه ای (که بعضاً در آن تشکیک وارد شده ) چگونه کاشانی یک روز پیش از کودتا ، از وقوع آن مطلع شد . آیا این پیش بینی ، احتمال هماهنگی کودتاگران با کاشانی را نشان میدهد ؟

چنانچه بخواهیم این نامه را نشان از حمایت صادقانه کاشانی از مصدق بدانیم ، پس نامه کاشانی در نهم اسفند ۱۳۳۱ به شاه را که در آن خواستار عدم خروج شاه از ایران میشود ، را چگونه باید تفسیر کنیم ؟

اگر قصد کاشانی ، حمایت از مصدق بود ، اعلامیه کاشانی در حمایت صریح از زاهدی ، که پس از کودتای ۲۸ مرداد از رادیو پخش شد، چگونه تعبیر میشود ؟

طرفداران کاشانی بر این باورند که :

هر چند دوستان دکتر مصدق بسیار کوشیدند که در صحت نامه تردید ایجاد کنند تا به نحوی بار مسئولیت احمال در مقابله با کودتا و رها کردن نهضت در اوج خطر را از دوش دکتر مصدق و همکارانش بکاهند. شاید با همکاری آیت الله کاشانی و دکتر مصدق امکان جلوگیری از کودتا و سلطه بیست و پنج ساله آمریکا وجود داشته است، اما دکتر مصدق در اوج مشکلات، ضمن اصرار و ابرام دوستانش در مقصر جلوه دادن دیگران از جمله آیت الله کاشانی و یا حزب توده و سازمان نظامی، هیچ از بار مسئولیت احمال در برابر کودتا نمی‌کاهد. و هر دولتی مکلف است از امانت مردمی خویش به طور جدی مراقبت و دفاع نماید. صرف نظر از دستخط و امضا، متن و فضای حاکم بر آن و ادبیات نوشتاری آیت الله کاشانی، پاسخ رسمی دکتر مصدق و امضای وی در پای نامه نیز هیچ تردیدی در صحت صدور آن باقی نمی‌گذارد. این نامه نشان می‌دهد که اساساً مصدق تعمداً، راهی را انتخاب کرد که نتیجه محتوم آن شکست نهضت بود. وی اعتقادی به کمک نیروهای مذهبی نداشت و تصور میکرد که بدون حمایت آنان هم میتواند سیل مردم را برای حمایت از خود بسیج کند. او به اشتباه فکر میکرد، مردم بخاطر او بوده که در سی تیر به خیابانها ریختند. اطرافیان دکتر، به او قبولانندند که مردم، مصدق را می‌خواهند و کاشانی هم (برای حفظ آبروی خود) چاره‌ای جز حمایت از مصدق ندارد.

محتوای دو نامه آیت الله کاشانی و دکتر مصدق دارای نقشی کلیدی در فهم تحولات سیاسی معاصر ایران به ویژه شناخت علل شکست و افول نهضت ملی دارند و پذیرش یا رد آنها به عنوان دو سند سیاسی مهم تأثیری تعیین کننده بر تحلیل تاریخ نهضت ملی و تاریخ معاصر ایران دارند. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته نباید آنها را جعلی خواند. باید بین عدم پذیرش محتوای اسناد و حتی اقامه دلیل بر نادرستی احتمالی محتوای آنها، با موضوع جعلی بودنشان تفکیک قایل شد. از سویی نباید صحت اصالت نامه را دلیل بر ضرورت پذیرش محتوای آنها گرفت از سوی دیگر مخالفت با اطلاعات آمده در آنها را نباید دلیل مخدوش شمردنشان دانست.

فهرست منابع:

- اسناد CIA درباره کودتای ۲۸ مرداد عملیات آژاکس، ویلبر دونالدنیوتن، انتشارات مؤسسه ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۰.
- اسناد وزارت کشور قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، منصوری، جواد، ج ۱، چاپ اول، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
- دو سند نهضت ملی: ۱- نامه آیت الله اشانی به دکتر محمد مصدق در تاریخ ۲۷/۵/۳۲؛ ۲- پاسخ دکتر مصدق به کاشانی در تاریخ ۳۲/۵/۳۷.
- ترکمان، محمد، نامه‌های دکتر محمد مصدق، نشر هزاران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۷.
- اطلاعیه آیت الله کاشانی پیرامون وقایع روز به تاریخ ۲۵/۴/۱۳۳۲.
- دهنوی، محمد، مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی و پیامهای آیت الله کاشانی، نشر پخش، ج ۳، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۲.
- مصدق، محمد، خاطرات و تألمات، انتشارات علمی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۲.
- خامه‌ای، انوار، خاطرات سیاسی، نشر گفتار و نشر علمی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.
- گروه جامی، گذشته چراغ راه آینده است، انتشارات نیلوفر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲.
- مجاهدین انقلاب اسلامی، بیانیه شماره ۲۳ نگرشی کوتاه بر نهضت ملی ایران، نشر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، بی‌جا، بی‌تا.
- نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۶.
- آیت، حسن و ارسنجانی، حسن، چهره حقیقی مصدق السلطنه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱.
- مدنی، سیدجلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱.
- هواداران انقلاب اسلامی در اروپا، روحانیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت، نشر روح، قم، بی‌تا.
- جیمز بیل، ویلیام راجر لويس، مصدق نفت ناسیونالیزم ایرانی، هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، نشر نو، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۸.
- کاتوزیان، همایون، مصدق و نبرد قدرت، ترجمه احمد تدین، انتشارات رسا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۱.



۲۲ مرداد ۱۳۰۵

فکر خوشه در علم خاتون  
 میر تقی میر کرم الله وجهه پیرایه نایب و له صلاح و نایب است برای این عالم بهیوم الله ان الله خلیلکم المومنین  
 خوش دورن و این روزی بنیاد است تا خودی سبز لرزه زگر بهیوم عظمی که او با او بیست و چهارست جمله آدمی بودند  
 لب این ایام شیده و در بیاد است روی که ایام نایب در عجب این ایام شیده که ایام شیده می نامند که ایام شیده است  
 یکوست ایام شیده و قدر نامه بود و حرف نایب و از عجب این ایام شیده و علم هزار و سیصد و هشتاد و هشت  
 کرم الله وجهه ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده  
 در ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده  
 گوید در ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده  
 این ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده  
 ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده  
 ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده  
 ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده  
 ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده  
 ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده ایام شیده

لکه ایام شیده ایام شیده